



۲۰۱۸/۱۰/۱۰

احسان لمر

## پیشین مشروطه خواهی و دموکراسی در افغانستان

قسمت اول

گردیده وطن غرقه اندوه و محن وای  
ای وای وطن وای!  
خیزید، روید از پی تابوت و کفن وای  
ای وای وطن وای!  
کو همت و کور غیرت و کوجوش فتوت؟  
کو جنبش ملت؟  
دردا که رسید از دو طرف سیل فتن وای  
ای وای وطن وای!  
«اشرف الدین گیلانی شاعر انقلابی فارس دوران مشروطیت»

مشروطیت یا مشروطه خواهی در معنی عام آن مجموعه ای از عقاید و مرام های است بر پایه این اصل کلی که مشروعیت حکومت مشتق و منحصر به مجموعه از قوانین بنیادی است. یک واحد سیاسی را مشروطه (constitutionnel) می خوانند کلمه مشروطیت در اوایل قرن بیستم از ترکی عثمانی وارد فارسی شد. مشروطه بدین گونه در مقابل رژیم مطلقه (absolu) قرار می گیرد.

### وقایع پیش از تشکل مشروطه خواهان افغان:

قراریکه تاریخ اواخر قرن 19 و اوایل قرن بیستم ترسائی کشور ما و هم هند، فارس، مصر، ترکیه و... نشان میدهد شخصیت والا مقامی مانند سید جمال الدین نقش درخشان و واضح جهت اعتلای آزادی و تکامل در این کشورها بازی نموده بود بناً هر تلاشی در این زمان جهت آزادی، آگاهی و رشد مطبوعات و اصلاحات در ساختار های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و گرایش به سوی مدرنیسم یا تجدد گرایی حتی تا دو سه دهه بعد هم وقتی به ملاحظه میرسید نقش درخشان سید افغان و شاگردان او شان را در آن دیده می توانیم.

در قرن نوزدهم در برخی از کشور های مستقل اسلامی یک رشته جنبش های سیاسی و اجتماعی به وجود آمد، این جنبش ها اگرچه عموماً واکنشی بود در برابر تجاوز و استعمار کشور های اروپایی ولی از سویی تلاشی برای دستیابی به دستاورد های تمدن شان نیز بود.

در افغانستان اصلاحاتی در دور دوم سلطنت امیر شیر علی خان بین سالهای (1246- 1256 شمسی) ( 1868- 1878م) میلادی روی دست گرفته شد، **ایجاد یک ارتش منظم - تشکیل نخستین کابینه مختلط از اقوام کشور - اصلاحات مالیاتی - وارد کردن کارخانه های تولید اسلحه و ماشین آلات - وارد کردن مطبعه و چاپ نخستین نشریه یعنی "شمس النهار کابل" از اهم و با اهمیت ترین اصلاحات امیر شیر علی خان بود.**

زنده یاد محمد امین خوگیانی در مقدمه «تتمته الیابان فی التاریخ افغان» مینویسد: "اصلاحات امیر شیر علی خان مربوط سید است. که روز حرکت قطعی نزد امیر رفته طوماری به او در بالا حصار داد و در آن جمع اصلاحات مذکور و منجمله اعلان استقلال سیاسی، تشکیل کابینه، تنظیم عسکر، تقویه زبان ملی پشتو، تاسیس مکاتب و راه ها و پوسته خانه ها و نشر روز نامه درج بوده " 1

سید قاسم رشتیا به آقای مهرین طی نامه تذکر داده که "موضوع برنامه اصلاحی که سید جمال الدین افغان به امیر شیر علی خان قبل از خروج خود از افغانستان تسلیم کرده بود، و من در کتاب افغانستان در قرن نوزده از آن تذکر داده ام،

د پانو شمیره: له 1 تر 6

افغان جرمن آنلین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼونه: دلیکنې دلیکنېزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

اصلاً از یک دایرة المعارف ترکی بنام «بیک آدمل حریسی» یعنی «رسته رجال بزرگ» که در سال 1940 از طرف یک جمعیت علما و مورخین ترک تألیف و نشر گردیده اخذ شده بود...

از طرف دیگر ذهنیت اصلاحات امیر شیر علی خان که روند عصری و مترقی داشت، مانند تشکیل کابینه و تاسیس جریده (شمس النهار) و برقراری مخابرات پستی و امثال آن از سویه عمومی دربار و درباریان آن عصر به شمول شخص امیر شیر علی خان بالاتر بوده و نشان میدهد که از یک داعیه و سویه فکری عالیتز که از جریانات دنیا آگاهی داشت نشئت کرده باشد... (2) و اما استاد کهزاد مینویسند: «...امیر شیر علی خان پادشاهی بود منور و مردی بود به عصر خودش متجدد و تازه پسند که روی آن در زمینه های مختلف امور کشور داری یک سلسله اصلاحات را شروع کرد و در برخی موارد پروگرام های خود را هم عملی کرد...» (3)

«انتشار نشریه ها به زبان فارسی در قرن نوزدهم نخست از هند آغاز شد. «راموهان روی»، مصلح هندی برای نخستین بار نشریه «مرآت الاحوال» را به زبان فارسی در سال ۱۲۲۴ هجری قمری (1845 م) در کلکته هند منتشر کرد. و این نشریه نسبت به نخستین نشریه در ایران یعنی «کاغذ اخبار میرزا صالح» در سال ۱۲۵۳ هجری قمری (1874 م) قریب سی سال و نسبت به جریده «شمس النهار کابل» نخستین نشریه در افغانستان قریب شصت سال قدامت دارد.

پیش از انتشار شمس النهار کابل شماری از نشریه های چاپ هند و ایران اگرچه کم و نا منظم به افغانستان می رسید. شاید همین آشنایی با نشریه ها و جراید کشورهای همسایه یکی از اسباب تشویق دستگاه سلطنت و منورین دربار برای تاسیس نخستین جریده در افغانستان شد.» (4)

شمس النهار در پانزده ذالحجه ۱۲۹۰ هجری قمری (سوم فبروری 1874 م) آغاز به نشرات نموده. این می رساند که از نشر اولین شماره آن تا تاریخ 20 شوال 1292 (19 نوامبر 1875) که جمعا دو سال و سی و پنج روز می شود، به گمان غالب در این مدت 48 شماره به چاپ رسیده باشد. متأسفانه شماره های بیشتر آن مفقود است نه می توان به یقین گفت که جمعا چند شماره از میان رفته و چند شماره تا هنوز باقی است.

به قول از فرید بیژند: " از لحاظ تعداد خبرنگاران اصلاً شمس النهار ظاهراً بسیار غنی تر از نشرات بعدی خود مثل سراج الاخبار بود، یعنی یک تعدادی فراوانی از خبرنگارانش در نقاط مهمی داخل کشور و خارج از کشور وجود داشتند. در نقاط داخل کشور خبرنگاران در ترکستان، بدخشان، غوربند، کابل، قندهار، سیستان، میمنه، لغمان، هلمند، بلخ و هرات وجود داشتند. در شهرهای مهم خارج از کشور که آن زمان خبرنگاران این نشریه از آنجا می نوشتند بخارا، پشاور، کشمیر، چترال، تاشکند دست کم از این جا ها بودند." (5)

«شمس النهار» از چندین طریق خبر بدست می آورد. منبع اول از طریق خبرنگاران یا کورسپاندنت های (correspondance) خود و منبع دوم اخبار خارجی بود که بیشتر در هند، ترکیه، ایران و آسیای مرکزی به نشر می رسید، و ایشان از آن استفاده می نمودند

در خصوص محتوای مطالب شمس النهار نظریات مختلفی وجود دارد. میر محمد صدیق فرهنگ می نویسد: "مضامین شمس النهار از محتوای اجتماع و سیاسی که ذهن خواننده را روشن سازد، عاری بود. بنابراین نمی توانست وظیفه بیداری افکار عامه را که شرط موفقیت هر نوع اصلاحات است اجرا کند." (6). چون نوشته اخیر فرهنگ با عقده و خصومت و جهت گیری خاص غیر مسئولانه نوشته شده نمی توان روی این اثر او اتکا و اطمینان نمود.

کاظم آهنگ استاد سابق پوهنتون کابل نیز به این عقیده است که مردم کم سواد و نیمه با سواد از درک مطالب این نشریه عاجز بودند. ولی فرید بیژند می گوید که شمس النهار اصلاحات امیر شیر علی خان و سیاست های او را منعکس می کرد: " به طور نمونه در شمس النهار مقالات فراوان را در تعریف علم و خواص آن می بینید، در مورد اخبار کارخانه جات کابل می بینیم و در عین حال از زبان مسئول نظامی افغانستان در آن زمان عبدالقادر میلیتری سکرتر (دبیر) به اصطلاح امروزی وزیر دفاع در باره نظم اردو (ارتش) صحبت ها و اخبار فراوان است و شاید هم عبدالقادر خان یگانه شخصی است که بیانیه هایش به طور منظم در شمس النهار نشر می شد. به همان خاطر است که گاهی بعضی ها گمان می برند که ممکن است عبدالقادر خان مدیر این نشریه بوده باشد." (7)

«بدین سان در پیدایش مناسبات بورژوازی کشور آرزو های وطن پرستانه امیر شیر علی خان و حکومت ملی «سید نور محمد شاه فوشنجی» نقش فعال داشت چه در عصر شیر علی خان با تطبیق پروگرام های مدنی و عمرانی، برای بار اول در جامعه فئودالی افغانستان، زمینه روئیدن "جنین" سرمایه داری آماده گردید.» (8)

بعد از وفات امیر شبر علی خان، وقتی عبدالرحمن خان به قدرت رسید به علت جنگ دوم افغان و انگلیس و ادامه جنگهای داخلی بی نظمی عمومی در افغانستان رو نما بود، او در 12 سال اول در استحکام دولت مرکزی کوشید، نفوذ ملک الطوائفی، فئودال ها خوانین و روحانیون را محدود ساخت و اما در بیست و یک سال زمامداری روش و سیستم دولت داری (کابینه و شورا) و توسعه معارف و مطبوعات را که سلفش بنیاد گذاشته بود تعقیب نکرد. با به سلطنت رسیدن امیر حبیب الله خان، و بر گشت تبعیدی های دوره پدرش، مانند خانواده های محمود طرزی، ماما ابراهیم ساعت ساز، غلام محی الدین افغان، مولوی محمد ظفر مروت و .... بشمول خانواده (سردار محمد اصف و سردار محمد یوسف یا پدر و کاکای نادر خان و برادران) با دیدگاه و ره آورد های به وطن برگشتند، که نظرات آنها و روشنفکران داخل کشور به دو نکته با هم خلط گردید:

آموزشهای از اندیشه ها و افکار پر غنای سید افغان در هند، مصر، ترکیه، اروپا و ایران. شناخت علمی و آگاهانه خود شان از پیشرفت علوم، ساینس و تکنولوژی جدید و جهان ما حول. با باز شدن روزنه کوچکی دیگر بسوی معارف عصری در (1903 م) یعنی مکتب حبیبیه استعداد عمدا سرکوب شده و زیر خاکستر افغانها بار دیگر متباز و پرتو افشان گردید، ورود محمود طرزی و نشر سراج الاخبار افغانیه انقلاب بزرگ فرهنگی و بنیادی بسوی معارف و بیداری در کشور محسوب می شود.

### عوامل خارجی در ایجاد نظریه مشروطه خواهی افغانستان:

مقدمات دموکراسی را در پیدایش نظام سرمایه داری در مغرب زمین در قرن 18 میلادی سراغ می نمایم، - اعلان حقوق پارلمانی در انگلستان - انقلاب کبیر فرانسه و اعلامیه حقوق بشر به ادامه آن، - جنبشها روشنفکری - انقلابات فرهنگی - تکنولوژیک - سیاسی و اجتماعی در قرن نهم - حرکت انقلابی و بیدار گرانه در جاپان - انقلاب مصر - پرو گرام های میرزا تقی خان و سپس جنبش مشروطیت ایران - پرو گرام های مدحت پاشا و رشید پاشا و بعداً انقلاب ترکان جوان - نهضت آزادی خواهان هند - جنبش جمهوری خواهان چین به رهبری داکتر سون یات سن ، انقلابات 1905 و 1917 در روسیه و غیره، که کشور ما هم از آن بی تاثیر نه بوده و نباید هم باشد

### جنگ روس و جاپان (1904-1905):

بعد از اینکه در 1854 جاپان از انزوا خارج گردید 14 سال بعد امپراتور جدید موتسوهیتو دوران جدید را در کشورش آغاز نمود او با منسوخ ساختن فئودالیسم و کوتاه ساختن دست حکام جابر مدارس را تاسیس، تحصیل را اجباری نموده محصلین را غرض آموزش علوم جدید به اروپا فرستاد. \* با اعلام مشروطیت و تشکیل پارلمان قانون اساسی را تدوین و آزادی های فردی را تأیید نمود. فابریکات و کار خانه ها تاسیس راه های آهن ساخته شد. مطبوعات آزاد و دولتی در بیدار سازی مردم نقش فعال و سازنده در پیش گرفتند با آمدن فنون و علوم طبیعی، تکنولوژی جدید، سازمانهای سیاسی و قضائی و دیگر رشته های تمدن جاپانی ها در کوتاه ترین زمان کشور شان را در ردیف کشور های مترقی جهان قرار دهند در حالی که قبلاً غربی ها آنها را «وحشی» می خواندند. در اوائل سال 1904 عساکر روس و جاپان به منچوری وارد شدند که باعث برخورد نظامی بین دو کشور گردید: «این جنگ که قریب یک و نیم سال دوام نمود با "پیمان پرتسموت Treaty of Portsmouth" به نفع جاپان پایان یافت. مردم آسیا، اروپا و امریکا شاهد پیروزی های درخشان جاپان در بر و بحر بودند...

جاپان نماینده و مظهر آسیا در سراسر مشرق زمین، محبوبیت فراوان بدست آورد. حیثیت و پرستیژ غربیان در انظار شرقی ها پائین آمد و مفکوره اینکه غربیان شکست ناپذیر اند باطل شد.... ناسیونالیسم و وطن پرستی به سرعت بیشتری رشد یافت و فریاد آسیا برای آسیائیان از هر سو بلند شد که تاثیر آن در افغانستان نیز به مشاهده رسید. یعنی یک حرکت و جنبش در کشور ما آغاز شد»<sup>9</sup>

پوهاند هاشمی، انقلاب 1905 در ایران، 1908 در ترکیه و 1911 در چین و نهضت های هند و اندونیزیا و سایر کشور های شرق را ادامه انقلاب صنعتی و بیداری جاپان می شمارند و در پاورقی صفحه کتاب شان می افزایند: «این که محمود طرزی، کتاب جنگ روس و جاپان را ترجمه و در پنج جلد به چاپ رسانید، نشانه عمده اهمیت این غلبه جاپانی ها در نگاه آسیائیان می باشد.

در افغانستان اخبار مربوط به جنگ به صورت مبالغه آمیز مواصلت می کرد، چنان هیجانی بوجود آورده بود که در بازار و دربار، همه جا صحبت از عملیات، بر ضد روسیه و فتح بخارا و سمرقند در میان بود و تصور می شد با اندک کمک از طرف انگلیس، این مامول بر آورده خواهد شد»<sup>10</sup>

## فارس یا ایران امروزی:

(مشروطیت ایران 14 اسد 1285 ش - 6 اگست 1906 م) «در زمان قاجار، ایران بسیار ناتوان گردید و از بزرگی و جایگاه و آوازه آن بسیار کاسته شد و انگیزه این بیش از همه یک چیز بود و آن این که جهان دیگر شده و کشورها به تکان آمده، ولی ایران به همان حال پیشین خود بازمی ماند بود». احمد کسروی می افزاید: «اینان خود کاری نمی کردند و دیگران را هم نمی گذاردند. در زمان محمد شاه میرزا ابوالقاسم قایم مقام وزیر کردانی بود و به شایندگی کارها را پیش می برد ولی محمد شاه او را کشت و جایش را به حاجی میرزا آقاسی داد. در زمان ناصرالدین شاه میرزا تقی خان امیرکبیر به پیراستن و آراستن ایران می کوشید و... ناصرالدین شاه او را کشت... سپس هم حاجی میرزا حسین خان سپهسالار به کارهایی برخاست... ولی ناصرالدین شاه او را نگه نداشت و مردم نیز ارج او و کارهایش را ندانستند».

از اوائل پادشاهی ناصرالدین شاه قاجار ناخشنودی مردم از ستم و بستگان حکومت رو به افزایش بود. تأسیس دارالفنون و آشنایی تدریجی ایرانیان با تغییرات و تحولات جهانی، اندیشه تغییر و لزوم حکومت قانون و پایان حکومت استبدادی را نیرو بخشید. سخنرانی های سیدجمال واعظ و ملک المتکلمین توده مردم مذهبی را با اندیشه آزادی و مشروطه آشنا می کرد. [نشریاتی مانند «حبل المتین» و «چهره نما» و «حکمت» و کمی بعد «ملا نصر الدین» که همه در خارج از ایران منتشر می شدند نیز در گسترش آزادی خواهی و مخالفت با استبداد نقش مهمی داشتند. کشته شدن ناصرالدین شاه به دست میرزا رضای کرمانی که آشکارا انگیزه خود را قطع ریشه ظلم و نتیجه تعلیمات سیدجمال الدین دانسته بود، کوشش بیشتر در روند مشروطه خواهی را سبب شد.»<sup>11</sup>

پیدایش اندیشه آزادی خواهی در ایران افزون بر یک قرن و نیم سابقه دارد ولی این حرکت در میان توده ها مردم پس از قتل ناصر الدین شاه قاجار شروع شد. چنانچه میرزا رضای کرمانی که یکی از مریدان سید افغان و در ضمن خادم وی در دوران اقامت در ایران بود که بعد از قتل شاه در باز جویی گفت: " من قدری هستم و معتقدم بی حکم «قدر» برگ از درخت نمی افتد... کار من به حکم قدر بود و به خیال خودم یک خدمتی به تمام خلایق کرده و ملت را بیدار کرده ام و یک درخت خشک بی ثمری را که زیرش همه قسم حیوانات موزی و درنده جمع شده بودند از بیخ بر انداختم..."<sup>12</sup> ابوالقاسم لاهوتی خطاب به ملت ایران در آن زمان گفته بود:

وطن خواهان، وطن ویرانه گردید!  
به خاک ما تجاوز های اغیار

وطن منزلگه بیگانه گردید  
بر اهل جهان افسانه گردید

## روسیه یا شوروی بعدی:

انقلاب ۱۹۰۵ روسیه (۲۲ جنوری ۱۹۰۵ تا ۱۶ جولای ۱۹۰۷) موجی از نا آرامی های سیاسی مردمی در بخش های وسیعی از امپراتوری روسیه بود. این انقلاب سبب شد تا تزار نیکلای دوم به تبدیل حکومت روسیه از استبداد به سلطنت مشروطه تن دهد.

از آن جا که خواسته های اصلی مردم، یعنی دموکراسی کامل، زمین برای دهقانان و رفاه برای کارگران برآورده نشد (این یک شعار دروغین ح. ک. شوروی بود، صرفاً بر زبان و روی کاغذ نمایش داده می شد)، به تدریج صحنه برای انقلاب ۱۹۱۷ روسیه فراهم شد. در انقلاب ۱۹۱۷ روسیه، سویت های ۱۹۰۵ نقش محوری بازی کردند که بعداً بنام حزب کمونست اتحاد شوروی شهرت گرفت که آنها هم در 70 سال نه دموکراسی و آزادی به مردم دادند بلکه زندان مختنق و دیوار آهنین بدور مردم اعمار نمودند، و هم بهبودی در وضع کارگران و دهقانان پدیدار نگردید . اقبال لاهوری خطاب به لنین گفته بود:

اگر تاج گهی جمهور ببوشد  
همان هنگامه ها در انجمن است

د پانیو شمیره: له 4 تر6

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

## هندوستان:

جنبش استقلال طلبی هند، سلسله ای از انقلابات بود که توسط مردم هندوستان و در جنگ با امپراتوری بریتانیا بر سر استقلال سیاسی هند صورت گرفت. جنبش از شورش ۱۸۵۷ میلادی شروع شد. این مبارزات بشکل پراکنده سالهای طولانی دوام داشت چنانچه فخر افغان خان عبدالغفار خان در مورد این مبارزات آزادی خواهی و کاستی های آن در نوشته های خود چنین یاد آوری میکند: «در این دوران گاه و ناگاه جنگ های پراکنده ای میان قبایل و انگلیس ها صورت میگرفت، اما همه قبایل تحت یک رهبری نبودند و حرف مشترکی نه داشتند، و بنابر آن هیچ زیانی بر انگلیس ها وارد نه می شد. وقتی قوم مهمند حمله میکرد اقوام وزیر، مسعود و افریدی آرام نشسته بودند و اگر جنگ میان افریدی و انگلیس در میگرفت، مهمند، وزیر و مسعود هیچ اطلاعی از آن نداشتند. هریکی می گفت که جنگ من نیست، من با آن کاری ندارم. پاچا خان میگوید، لازم بود که همه قبایل در یک نهضت گردهم می آمدند، خوب تربیه میشدند و همه یکبار قیام میکردند.»<sup>13</sup>

مهاتما گاندی که از پیشگامان فلسفه عدم تشدد در جهان و یکی از نزدیک ترین دوستان خان عبدالغفار خان بوده و در جریان مبارزه ای که اساس آن عدم تشدد بود در کنار وی قرار داشت، در زندگی نامه خود نوشته است: **چیزهای زیادی وجود دارد که من می توانم به خاطر آن آماده پذیرفتن مرگ شوم اما هیچ چیزی وجود ندارد که من به خاطر آن آماده کشتن کسی شوم.**

از زمانی که وی مسئولیت رهبری نبرد برای آزادی و کنگره ملی هند در سال ۱۹۱۸ به عهده گرفت، به عنوان نمادی ملی شناخته شد و میلیون ها نفر از مردم او را با لقب مهاتما یا روح بزرگ یاد می کردند و می کنند. گاندی توانست با استفاده از شیوه ضد خشونت نافرمانی مدنی استقلال هند را از بریتانیا بگیرد و در نهایت دست امپراتوری بریتانیا را از هند کوتاه کند. شیوه مقاومت آرام وی به مستعمرات دیگر هم نفوذ کرده و آن ها را در راه استقلال میهن خود تشویق می کرد.

## چین:

انقلاب شین های که انقلاب ۱۹۱۱ و انقلاب چین نیز نامیده می شود، قیام مردمی بود که به سقوط آخرین سلسله امپراتوری تاریخ چین - دودمان «چینگ» و تأسیس جمهوری چین منجر شد. این انقلاب از آن جهت شین های نامیده شد که در سال ۱۹۱۱ میلادی رخ داد. سال ۱۹۱۱ میلادی مطابق با جنتری چینی، سال شین های نام دارد. انقلاب شین های شامل قیام ها و نبردهای متعددی است. این انقلاب از قیام «ووچانگ» در ۱۰ اکتبر ۱۹۱۱ آغاز شد که نتیجه تلاش جنبش حفاظت از راه آهن - جنبشی که برای ملی کردن پروژه های راه آهن تلاش می کرد - بود. این انقلاب سرانجام با استعفای «پویی» امپراتور «چینگ» در ۱۲ فبروری ۱۹۱۲ پایان پذیرفت و نقطه عطفی در تاریخ چین به یادگار گذارد: پایان ۲۰۰۰ سال حکومت امپراتوری در چین و آغاز عصر جمهوریت در این کشور. عامل اصلی خروش و جنبش مردم چین، بی کفایتی حکومت وقت چین و ناتوانی آن در تحقق برنامه مدرنیزه کردن کشور و جلوگیری از نفوذ بیگانگان بود. قیام های متعدد قومیت های گوناگون چین نیز در قرن ۱۹ علیه حاکمیت منچو، شدت یافته بود. بسیاری از گروه های زیرزمینی چینی با همکاری انقلابی های در تبعید، تلاش کردند تا حکومت چین را سرنگون کنند. با سرنگونی دودمان چینگ، سون یات سن به ریاست جمهوری چین رسید و پارلمان ملی چین نیز به وجود آمد. اما ژنرال های سابق، که اینک وارد دستگاه حکومت تازه شده بودند، قدرت را غصب کردند. معروف ترین آنان یوان شی کای بود که کوشید رژیم سلطنتی را دوباره روی کار آورد.

## ترکیه:

در اکتوبر 1876 سلطان عبدالحمید عثمانی به تشویق و تحریک مدحت پاشا، بنیاد مجلس نمایندگان (پارلمان) و مشروطیت را رسماً قبول و ابلاغ نمود. قانون اساسی را از نمونه های فرانسوی و بلژیکی کاپی نموده و آزادی های فکر و بیان در این دوره مورد قبول قرار گرفت. پارلمان ترکیه در فبروری 1878 افتتاح شد اما عمر آن کم دوام بود، چه عبدالحمید از انتقادات نمایندگان از رژیم آن را منحل و صدراعظم را برطرف ساخت و سران جنبش را سرکوب نمود {عمل مشابه در دور هفت و هشت شورای ملی و صدارت شاه محمود خان در کشور ما صورت گرفت}.

د پانو شمیره: له 5 تر6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلپکنی د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی

در جنگ جهانی اول، دولت عثمانی شکست خورد و مناطق بسیاری در شمال آفریقا، حجاز، سوریه و عراق به دست کشورهای بریتانیا و فرانسه افتاد. قسمت هایی از اروپای خاوری نیز با حمایت فاتحان جنگ به استقلال رسیدند. در اواخر جنگ جهانی اول، ترکیه مورد هجوم فرانسه و ایتالیا از جنوب و یونان از شرق بود. آتاتورک رهبری جنگ استقلال ترکیه را برعهده داشت. در پایان جنگ جهانی اول، مردم ترکیه از بی کفایتی خلیفه محمد ششم و نظام عثمانی به تنگ آمده بودند و آتاتورک رهبری خیزش علیه خلافت و امپراتوری عثمانی را برعهده گرفت. در سال ۱۹۲۳ ترکیه مدرن با نظام جمهوری توسط ملی گرایان و گروه های مبارزه علیه اشغال گران به رهبری برپا شدند. آتاتورک از آن تاریخ تا زمان مرگش در سال ۱۹۳۸، رئیس جمهور ترکیه بود.

### **چگونگی نطفه گیری نظریه مشروطه خواهی در کشور ما:**

با ملاحظه به آثار، «افغانستان در مسیر تاریخ» اثر غلام محمد غبار که خود از مشروطه خواهان دوم و در جوانی شاهد عینی و ناظر تیز بین رویداد هایی بود که شامل حال مشروطه خواهان اول شده بود - « جنبش مشروطه خواهی در افغانستان» پوهاند سید سعد الدین هاشمی - « افغانستان در پنج قرن اخیر» تألیف میر محمد صدیق فرهنگ - « جنبش مشروطیت در افغانستان» تألیف پوهاند عبدالحی حبیبی - « ظهور مشروطیت و قربانیان استبداد در افغانستان» سید مسعود پوهنیار - « افغانستان در عهد اعلیحضرت امان الله 1919-1929» فضل غنی مجددی - و دیگر محققان و پژوهشگران ما چون جناب غلام علی آئین، جناب علی رضوی، جناب پویا فارابی، جناب نصیر مهرین، جناب سید قاسم رشتیا و جناب داکتر سید مودود پوهنیار که هر یک تحقیقات همه جانبه و ذی قیمتی در این باب انجام داده اند.

مرحوم دکتور اکرم عثمان گفته بود:

ادامه دارد

---

د پانو شمیره: له 6 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په څیر و لولئ